



«قدرت و اصول: خاطرات برژینسکی،
مشاور امنیت ملی آمریکا (۱۹۷۷-۱۹۸۱)»

**Brzezinski, Zbigniew. "Power and Principle Memories of
the National Security Adviser (1997-1981)", Washington
D.C, 1985.**

علیرضا خداقلی پور

زبگنیو برژینسکی، متولد ۱۹۲۸ در لهستان، دارای مدرک دکترای حقوق و روابط بین‌الملل از دانشگاه هاروارد و استاد دانشگاه کلمبیا در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۷، مشاور امنیت ملی دولت کارتر در سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱، عضو هیأت مشاوره اطلاعات خارجی رئیس‌جمهور، عضو شورای امنیت ملی در کمیسیون وزارت دفاع و مفتخر به دریافت مدال آزادی ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۱ به لحاظ ایفای نقش فعال در عادی‌سازی روابط آمریکا با چین و کمک به ارتقاء حقوق بشر و سیاست امنیت ملی آمریکا، متخصص در امور سیاسی جهان کمونیسم و استاد فعلی سیاست خارجی آمریکا در مدرسه مطالعات پیشرفته بین‌الملل پاول نیتز در دانشگاه جان هاپکینز در واشنگتن دی سی است.

محتویات این کتاب بیانگر این مسأله است که هدف و انگیزه او از نگارش کتاب «قدرت و اصول» افزون بر بیان خاطرات سیاسی و اجرایی خود در کاخ سفید - و بنا به گفته خود وی احساس تعهد نسبت به اطلاع‌رسانی شفاف امور سیاست خارجی به شهروندان آمریکایی - دفاع از سیاستهای دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر به ویژه در زمینه روابط خارجی است. چنانکه

در بخشهای مختلف کتاب مکرراً به دستاوردهای مهم کارتر از جمله پیمان کانال پاناما، عادی سازی روابط با چین، امضای موافقتنامه کمپ دیوید، سازماندهی مجدد ناتو، موافقتنامه تجارت جهانی، بازنگری در مواضع استراتژیک آمریکا و تشکیل نیروی واکنش سریع، دکترین کارتر در خلیج فارس و پشتیبانی از روند حقوق بشر اشاره میکند و پرونده سیاست خارجی کارتر را بسیار سازنده توصیف می کند و اعتقاد دارد که آیندگان در آمریکا از او به بزرگی یاد خواهند کرد.

دغدغه دیگر برژینسکی کیفیت اداره و تدبیر بحرانهایی در روابط بین الملل است که از رقابت با اتحاد جماهیر شوروی نشأت می گرفته است. در همین راستا او در این کتاب به تدوین استراتژی تحدید قدرت شوروی از طریق ایجاد مانع در فعالیتهای اتحاد شوروی در جهان سوم، همکاری با چین و در کنار آن انتقال بحران به داخل حوزه نفوذ نظامی سیاسی و اقتصادی این کشور برای مشغول کردن رهبران کرملین اشاره دارد. ضمن اینکه ارائه فرمولی برای ترکیب متناسب دوستی و رقابت با شوروی نیز از اهداف وی به شمار میرود.

نویسنده در سراسر کتاب با جسارت و بی پروایی به تحلیل مسائل و حتی اختلافات درون سیستمی کابینه و اهمیت شورای امنیت ملی در طراحی مواضع استراتژیک ایالات متحده، بررسی سیاستهای کلان آمریکا در قبال سایر کشورها از جمله ایران و اتحاد شوروی و حتی اعتراف به اشتباه در سیاستگزاری ایالات متحده در قبال ایران - که دلیل آنرا توصیه های متضاد همکاران نزدیک کارتر و نه درک غلط شخص او از اوضاع ایران میداند - و آشفتگی در انتخاب رویه مناسب و یکسان در برخورد با انقلاب اسلامی و مسأله گروگانگیری می پردازد.

برژینسکی نقش بسیار مهمی برای آمریکا در جامعه بین المللی قائل است و بی تفاوتی آمریکا را در مسائل جهانی موجب هرج و مرج بیشتر می پندارد و بر این باور است که آمریکا باید نسبت به امنیت جمعی و همکاری بین المللی پایبند و متعهد باشد و بدین ترتیب مهمترین و دشوارترین هدف دیپلماسی ایالت متحده را که جلوگیری از بهره برداری شوروی از کشورهای جهانی است محقق سازد.

اما با وجود اشراف و تسلط وی بر مسائل بین المللی و تجربیات گرانسنگ او در برخورد با بحرانهای مختلف، ظاهراً بدلیل عدم دقت و اصرار بیش از حد بر ستایش از سیاستهای کارتر،



حتی گاهی نیز دچار اشتباه در مقایسه مفاهیم کلیدی روابط بین‌الملل شده است. مثلاً در جایی که به اختلاف خود با سایروس ونس وزیر خارجه وقت آمریکا، اشاره دارد و دیپلماسی را که روش و وسیله تأمین امنیت ملی است با هدف مقایسه کرده است:

«... او به دیپلماسی می‌اندیشد و من به امنیت ملی، بعضی اولویتهای ما با هم در تضاد

بودند...».

کتاب سیاست‌گذاری فعالیت‌های دولت کارتر را به سه مرحله تقسیم می‌کند: مرحله نخست ارائه ابتکارات است و پیشنهادات گسترده در زمینه سیاست خارجی است، مرحله دوم تمرکز بر نقاط عطف سیاست خارجی در گذشته که در آنها سیاست خارجی ایالات متحده با موفقیت‌های عمده یا شکست‌های سنگین روبرو شده بود، و مرحله سوم به توصیف برخورد سیاست کارتر با این تجربه‌های متناقض می‌پرداخت. ضمن اینکه اهداف عمده سیاست ایالات متحده را در این دوره نیز در سه هدف عمده خلاصه می‌کند: اول افزایش تأثیر ایدئولوژی آمریکا بر جهان و ایجاد خوش‌بینی بیشتر در دیدگاه آمریکایی‌ها نسبت به جهان، دوم بهبود و پیشبرد مواضع استراتژیک ایالات متحده در وهله اول با شوروی و بهبود روابط با چین، و سوم بازگردانی جاذبه سیاسی آمریکا در نزد جهان سوم.

کتاب «قدرت و اصول: خاطرات برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا (۱۹۸۱-۱۹۷۷)» علاوه بر مقدمه، شامل سه بخش، پانزده فصل، سه پیوست و فهرست اعلام است. در مقدمه کتاب برژینسکی نحوه آغاز همکاری خود با کارتر را به تصویر می‌کشد. فصل اول کتاب بازیگران کلیدی دوران ریاست‌جمهوری کارتر از جمله شخص رئیس‌جمهور، همسر او روزالین، والتر ماندیل (معاون رئیس‌جمهور)، سایروس ونس (وزیر خارجه) و هرالد براون (مشاور ارشد علمی رئیس‌جمهور) را توصیف می‌کند و در قسمتی از این فصل نیز یادداشت‌های طنزآمیز برژینسکی به کارتر ذکر شده‌اند.

در فصل دوم با عنوان «قدرت و سیاست» نحوه تعریف اهداف دولت کارتر، سازماندهی قدرت کابینه، سیاست‌گذاری و گزینش کارکنان مورد اشاره قرار گرفته و هدف اصلی کارتر را دگرگونی اولویتهای سیاست خارجی دولت و انسانی‌تر و اخلاقی‌تر کردن سیاست خارجی آمریکا بیان نموده است. ضمن اینکه ده هدف اصلی و دستورکار چهار ساله کابینه کارتر نیز در آن

ذکر شده است. ذکر برنامه کامل یک روز کاری شخص برژینسکی نیز در دوره تصدی سمت مشاور امنیت ملی بسیار جالب توجه است.

پس از ایندو فصل ابتدایی، بخش نخست با عنوان «ابتکارهای فراگیر» برنامه‌های تعیین شده دولت کارتر را در مرحله نخست سیاست خارجی او - که تا اوایل سال ۱۹۷۸ را در بر می‌گیرد - ارائه می‌کند. این بخش فصول سوم تا پنجم کتاب را در خود جای می‌دهد. فصل سوم به مسأله فلسطین می‌پردازد. فصل چهارم با عنوان «حسن نیت با بهایی سنگین» نقش جهانی ایالات متحده را در مسأله حقوق بشر، کاهش جنگ‌افزارهای هسته‌ای، مسأله پاناما و آمریکای لاتین، تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی و موفقیت‌های دولت کارتر در این زمینه را مورد بررسی قرار می‌دهد. فصل پنجم نیز به موافقتنامه سانت که طی آن آمریکا برتری شوروی را در زمینه برخی جنگ‌افزارهای استراتژیک پذیرفته بود و تجهیزات استراتژیک شوروی را باعث شده بود و همچنین نیاز ایالات متحده برای دستیابی به توافق جدیدی در این زمینه برای مقابله با تهدید شوروی می‌پردازد.

بخش دوم با عنوان «نقطه عطف‌های عمده» پنج نقطه عطف عمده سیاست خارجی آمریکا را در دوران ریاست جمهوری کارتر که ترکیبی از دستاوردها و ناکامیها به شمار می‌رفتند و بتدریج باعث تغییر اولویتهای سیاست خارجی این کشور شدند را ذکر می‌کند. این پنج مورد عبارتند از: عادی‌سازی روابط میان آمریکا و چین، خاورمیانه و کمپ‌دیوید، روابط با اروپا، روابط با شوروی، ایران و شاه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این بخش فصول ششم تا دهم کتاب را در بردارد و هر فصل یکی از پنج مورد فوق را به تفصیل بررسی می‌کند.

بخش سوم کتاب با عنوان «پیشرفت و سرخوردگی» آخرین مرحله سیاست خارجی دولت کارتر را که شکل‌دهی توازن جدید میان اولویتهای قدرت (که با توجه به پنج نقطه عطف فوق‌الذکر دچار تحول شده بودند) و اصول بود، به تصویر می‌کشد. این سیاست جدید در سال ۱۹۸۰ توسط کارتر ارائه شد و او ضمن تأکید مجدد بر تعهد ایالات متحده به آرمانهای اخلاقی، لزوم تأکید بیشتر بر واکنش مقتدرانه در برابر تهدیدهای محسوس نسبت به منافع حیاتی آمریکا را یادآور شد.



این بخش در سه فصل سیاستهای جدید ایالات متحده را در قبال چین، اتحاد شوروی و ایران مورد بحث قرار میدهد. فصل یازدهم توسعه روابط با چین را ارزیابی میکند. فصل دوازدهم دکتربین جدید کارتر را در مورد شوروی با هدف نهایی کنترل توسعه طلبی شوروی توصیف می‌نماید و فصل سیزدهم به تحلیل فرازهای واپسین دوره پهلوی، مبارزات مردم، پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و بحران گروگانگیری می‌پردازد. در جملات آغازین این فصل به سخنان جیمی کارتر در روز ۲۱ آوریل ۱۹۸۰ در تبیین سیاست ایالات متحده در خصوص گروگانگیری اعضای لانه جاسوسی در اوایل انقلاب اسلامی اشاره شده است: «هر اقدامی که برای ملت ما و منافع و اصول آن سودمند باشد، به گونه‌ای تنگاتنگ با اقدام برای حفظ جان و امنیت گروگانها وابسته است. من تلاش دارم تا این دو را به موازات هم پیش ببرم. در هر صورت و هرگز تعهد خود را برای حفظ پرستیژ و منافع ملت آمریکا از یک سو و حفظ جان و امنیت گروگانها از سوی دیگر زیر پا نخواهم گذاشت...».

فصل چهاردهم به نتیجه‌گیری و ارزیابی انتقادی دوران ریاست جمهوری کارتر اختصاص دارد. برژینسکی سیاست خارجی دولت کارتر را بر اساس دو الگوی عمده تبیین میکند: الگوی شماره یک تأکید عمده بر روابط با شوروی و سالت تا در کانون دستاوردهای سیاست خارجی دولت او قرار گیرد، و الگوی دوم تأکید عمده بر سایر متحدین، کاهش روابط با شوروی و محدود نمودن آن به سالت، افزایش سطح روابط با چین و تلاش برای حل و فصل مسأله خاورمیانه. برژینسکی در ارزیابی، کارتر را شخصی آگاه و مسلط بر تمام امور داخلی و خارجی و سیاست خارجی او را بسیار موفق معرفی می‌کند و در پایان فصل دستاوردهای عمده او را معرفی کرده و مورد تأکید قرار میدهد.

فصل پانزدهم نیز چشم‌انداز آینده سیاست خارجی ایالات متحده و نسبت و رابطه قدرت و اصول را در آن بررسی می‌نماید و دشواری عمده دولت‌های آمریکا را در شکل‌دهی سیاست خارجی این کشور، ترکیب پایبندی به اصول و ارج نهادن راستین نسبت به اهمیت و محوریت ژرف قدرت آمریکا در جهان معرفی می‌کند.

پیوستهای کتاب نیز شامل دستورهای کارتر به برژینسکی در خصوص مأموریت او به چین در ۱۷ می ۱۹۷۸، گزارشهای هفتگی برژینسکی به رئیس‌جمهور در کل دوره کابینه کارتر و فهرست اسامی کارمندان دولت و سازمان شورای امنیت ملی در فاصله مسؤولیت برژینسکی

است.

در مجموع کتاب «قدرت و اصول: خاطرات مشاور امنیت ملی (۱۹۷۷-۸۱)» که در برگیرنده خاطرات یکی از مسؤولین رده بالا و بسیار نزدیک به مرکز تصمیم‌گیری سیاستهای ایالات متحده در برهه‌ای حساس از زمان خصوصاً از جهت تصادم با زمان انقلاب اسلامی ایران و دوره حساس روابط ایران و آمریکا است، دربرگیرنده نکات جالب در خصوص پروسه تصمیم‌گیری در این کشور و همچنین اندرزها و تجربیات گرانسنگی است خصوصاً برای کسانی که در مشاغل حساس سیاسی کار می‌کنند.

از جمله کتب دیگر زیگنیو برژینسکی در زمینه امور بین‌المللی عبارتند از:

۱. خارج از کنترل: آشوب جهانی در آستانه قرن بیست و یکم (۱۹۹۳)
۲. صفحه بزرگ شطرنج: برتری آمریکا و اهمیت اولویتهای ژئواستراتژیک آن (اکتبر ۱۹۹۸)
۳. امنیت آمریکا در جهان دارای وابستگی متقابل (مجموعه مقالات ارائه شده در کنفرانس سالیانه شوراهای آتلانتیک در ۱۹۸۷)
۴. در میان دو عصر: نقش آمریکا در عصر تکنوترانیک (۱۹۸۲)
۵. ایدئولوژی و قدرت در سیاستهای شوروی (ژوئن ۱۹۷۶)
۶. ناتو در دهه ۵۰: دورنمای آینده اتحادیه فرا آتلانتیک
۷. قدرت سیاسی: آمریکا / شوروی
۸. اتحاد و درگیری در بلوک شوروی
۹. روسیه و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع: اسناد، اطلاعات و تحلیل (۱۹۹۷)
۱۰. سیاست آمریکا در قبال شمال شرقی اروپا: گزارش نیروی ویژه (۱۹۹۹)
۱۱. آفریقا و جهان کمونیسم
۱۲. شکوفایی شکننده بحران و تحول در ژاپن
۱۳. طرح‌بازی: چارچوبی ژئواستراتژیک برای رقابت میان آمریکا و شوروی (۱۹۸۶)
۱۴. در جستجوی امنیت ملی
۱۵. شکست بزرگ ظهور و افول کمونیسم در قرن بیستم (۱۹۸۹)